

www.PDF.Tarikhema.ir

پایگاه داندلود کتابهای تاریخی و مذهبی

برای دریافت کتابهای بیشتر به آدرس بالا مراجعه کنید

تمامی حقوق برای تاریخ ما محفوظ است

www.tarikhema.ir

www.ancient.ir

کتابخانه مجزی «تاریخ ما» نخستین پایگاه داندلود کتابهای تاریخی و مذهبی می باشد که زمان احداث آن به سال 1386 بزمی گردد و تاکنون بسیاری از کتب تاریخی و مذهبی را به صورت الکترونیکی (PDF) بر روی دنیای مجزی منتشر نموده است.

Email : Kazemi.Eni@Gmail.Com - Yahoo ID: Tarikhema4us

Website: <http://Ancient.ir> & <http://Tarikhema.ir>

Ebook Adress : <http://PDF.tarikhema.ir>

هوشع

زندگی و کتاب هوشع نبی، محبت خدا نسبت به قومش را مصور می‌کند. سه فصل اول کتاب از زندگی هوشع سخن می‌گوید. بقیه کتاب شامل پیامهایی است که این نبی خدا به قوم اسرائیل (حکومت شمالی)، پیش از سقوطش در 722 ق.م. داده است.

بسیاری از مردم زمان هوشع ثروتمند بودند؛ با وجود این، آنان ناشکر بودند و از کمک به فقیران شانه خالی می‌کردند. بتها در سرزمین اسرائیل زیاد شده بود و رفته‌رفته مردم از پرستش خداوند غافل می‌شدند.

خداوند به هوشع می‌فرماید برای نشان دادن رابطه موجود بین اسرائیل و خدا، از رابطه زناشویی به عنوان سمبل استفاده کند. خدا داماد است و اسرائیل عروس بی‌وفایش. خدا به هوشع می‌گوید با زنی به نام گومر ازدواج کند. گومر، طبق پیشگویی خداوند، به هوشع خیانت می‌کند و عاشقان جنیدی برای خود می‌یابد. گومر سمبل قوم اسرائیل است که خدا را ترک گفته و به دنبال خدایان دیگر رفته است.

هوشع، مانند خدا که قوم اسرائیل را بسوی خود می‌خواند، به دنبال جومر می‌رود و با وجود خیانتی که کرده، او را مورد لطف و محبت خود قرار می‌دهد.

هوشع از قوم اسرائیل می‌خواهد که توبه کنند و بسوی خداوند بازگشت نمایند: «ای قوم اسرائیل، بسوی خداوند، خدای خود بازگشت کنید، زیرا در زیر بار گناهانتان خرد شده‌اید. هر که داناست این چیزها را درک کند. آن که فهم دارد گوش دهد، زیرا راه‌های خداوند راست و درست است و نیکان در آن راه خواهند رفت، ولی بدکاران لغزیده، خواهند افتاد.»

را که ریخته است* بگیرم. در درهٔ یزرعیل قدرت اسرائیل را در هم شکسته به استقلال این قوم پایان خواهم داد.**»

⁶طولی نکشید که گومر بار دیگر حامله شده، دختری زایید. خداوند به هوشع فرمود: «نام او را لوروحامه (یعنی «دیگر رحمت بس است») بگذار، چون دیگر بر مردم اسرائیل رحم نمی‌کنم و آنان را نمی‌بخشم؛ ⁷ولی بر مردم یهودا رحمت خواهم نمود و من، خود، بدون هیچگونه کمکی از جانب سپاهیان و سلاح‌هایشان، ایشان را از چنگ دشمنانش خواهم رهانید.**»

1 در دوران سلطنت عزیا، یوتام، آحاز و حزقیا، پادشاهان یهودا و یربعام پسر یوئش، پادشاه اسرائیل، این پیامها از طرف خداوند به هوشع پسر بئیری رسید.

زن و فرزندان هوشع

²اولین پیامی که خداوند به هوشع داد این بود: «برو و با زنی فاحشه ازدواج کن تا آن زن از مردانی دیگر بچه‌هایی برای تو بزاید. این امر به روشنی نشان خواهد داد که چگونه قوم من بی‌وفایی کرده‌اند و با پرستش خدایان دیگر آشکارا مرتکب زنا شده و به من خیانت ورزیده‌اند.»

³پس، هوشع با «گومر» دختر دبلایم ازدواج کرد و گومر حامله شده، پسری برایش زایید.

⁴آنگاه خداوند فرمود: «نام این پسر را یزرعیل بگذار، زیرا می‌خواهم بزودی در درهٔ یزرعیل، دودمان بیهو پادشاه را مجازات کنم و انتقام خونهایی

* نگاه کنید به اول پادشاهان 21: 21 و دوم پادشاهان 10: 11.
** قسمت آخر این آیات عبارتست از پیشگویی راجع به اسارت اسرائیل به دست آشور که بیست و پنج سال بعد به وقوع پیوست.
*** اشاره است به شکست لشکر سنحاریب هنگلی که بر یهودا هجوم آورده بود. نگاه کنید به اشعیا 37 و 36.

آنگاه خواهد گفت: «بهتر است نزد شوهر خود بازگردم، چون وقتی که با او بودم زندگیام بهتر می‌گذشت.»⁸ او نمی‌فهمد که هر چه دارد از من دارد. تمام طلا و نقره‌ای را که او برای پرستش بت خود بعل به کار می‌برد، من به او می‌دادم.

⁹ ولی اکنون دیگر شراب و غله‌ای را که همیشه سر موعد برای او فراهم می‌کردم به او نخواهم داد و لباس‌هایی که برای پوشش برهنگی‌اش به او می‌دادم از او پس خواهم گرفت.¹⁰ اقبالحت او را در نظر فاسقانش آشکار خواهم ساخت و هیچکس نخواهد توانست او را از دست من خلاصی بخشد.¹¹ به تمام خوشبها و بزها، عیدها و جشنهایش پایان خواهم داد.¹² تاکستانها و باغهای میوه‌ای را که ادعا می‌کند فاسقانش به او هدیه داده‌اند نابود می‌کنم. آنها را بصورت جنگل درمی‌آورم و میوه‌هایش را نصیب حیوانات صحرا می‌گردانم.¹³ بسبب تمام آن روزهایی که برای بت خودش بعل، بخور می‌سوزانید و گوشواره‌هایش را به گوش می‌کرد و با طلا و جواهرات، خود را می‌آراست و مرا ترک نموده، دنبال فاسقانش می‌رفت، او را مجازات خواهم کرد. این را خداوند می‌فرماید.

¹⁴ ولی دوباره دل او را بدست می‌آورم و او را به بیابان خواهم برد و در آنجا با وی سخنانی دلنشین خواهم گفت.¹⁵ در آنجا باغهای انگورش را به او پس خواهم داد، و «دره زحمات» او را به «دروازه امید» مبدل خواهم ساخت. او باز در آنجا مانند روزهای جوانی‌اش و مثل زمان قدیم که او را از اسارت مصر آزاد کردم سرود خواهد خواند.¹⁶ در آن روز مرا بجای «سرور من»، «شوهر من» خطاب خواهد کرد.¹⁷ آکاری می‌کنم که «بعل» را فراموش کند و دیگر اسمش را نیز بر زبان نیاورد.

¹⁸ در آن زمان، بین شما و حیوانات وحشی و پرندگان و خزندگان عهده‌ی قرار می‌دهم تا دیگر از هم نترسید؛ و تمام سلاح‌های جنگی را از بین برده، به جنگها پایان خواهم داد. آنگاه در امنیت خواهید زیست.¹⁹ من با زنجیر عدالت و انصاف و محبت و رحمت، شما را برای همیشه به خود پیوند خواهم داد.²⁰ من عهده‌ی را

⁸ بعد از اینکه گومر لوروحامه را از شیر گرفت، بار دیگر حامله شد و این بار پسری زایید.⁹ خداوند فرمود: «اسمش را لومعی (یعنی «قوم من نیست») بگذار، چون اسرائیل از آن من نیست و من خدای او نیستم.»

¹⁰ با وجود این، زمانی می‌رسد که اسرائیلی‌ها مثل ریگ دریا بی‌شمار خواهند شد! آنگاه بجای اینکه خداوند به ایشان بگوید: «شما قوم من نیستید» خواهد گفت: «شما پسران خدای زنده هستید!»¹¹ آنگاه مردم یهودا و مردم اسرائیل با هم متحد شده یک رهبر خواهند داشت و با هم از تبعید مراجعت خواهند کرد. چه روز عظیمی خواهد بود آن روزی که خداوند بار دیگر قوم خود را در سرزمین حاصلخیزشان ساکن گرداند.

2 ای یزرعیل، اسم برادر و خواهرت را عوض کن. نام برادرت را عمی (یعنی «قوم من هستی») و اسم خواهرت را روحامه (یعنی «ترحم شده») بگذار، زیرا اکنون خداوند بر او رحم می‌فرماید.

خیانت اسرائیل

² مادرت را توبیخ کن، زیرا زن مرد دیگری شده است و من دیگر شوهر او نیستم. از او بخواه تا از فاحشگی دست بردارد و دیگر خودفروشی نکند؛³ وگر نه او را مثل روزی که از مادر متولد شد عریان خواهم ساخت و مانند زمینی که دچار خشکسالی شده باشد از تشنگی هلاک خواهم کرد.⁴ از فرزندان او چون فرزندان خودم مراقبت نخواهم کرد، زیرا آنها از آن من نیستند بلکه فرزندان مردان دیگری هستند.⁵ مادرشان مرتکب زنا شده و با بی‌شرمی گفته است: «دنبال مردانی می‌روم که به من خوراک و پوشاک می‌دهند.»⁶ ولی من دیواری از خار و خس به دور او می‌کشم و مانعی بر سر راه او می‌گذارم تا راهش را پیدا نکند.⁷ بطوری که وقتی دنبال فاسقانش می‌دود نتواند به آنها برسد. دنبال آنها خواهد گشت، ولی پیدایشان نخواهد کرد.

اتهامات اسرائیل

ای قوم اسرائیل، به کلام خداوند گوش کنید. **4** خداوند شما را به محاکمه کشیده و این است اتهامات شما: در سرزمین شما صداقت و مهربانی و خدانشناسی وجود ندارد. ¹ لعنت می‌کنید، دروغ می‌گویید، آدم می‌کشید، دزدی می‌کنید و مرتکب زنا می‌شوید. در همه جا ظلم و زورگویی و کشت و کشتار دیده می‌شود. ² به همین دلیل است که زمین شما بارور نمی‌باشد، تمام موجودات زنده بیمار شده، می‌میرند و چهارپایان و پرندگان و حتی ماهیان از بین می‌روند.

³ خداوند می‌گوید: «هیچکس، دیگری را متهم نکند و تقصیر را به گردن او نیندازد. ای کاهنان، من شما را متهم می‌کنم. ⁴ شما روز و شب مرتکب خطا و لغزش می‌شوید و انبیاء نیز با شما در این کار همراهند. من مادران اسرائیل را از بین خواهم برد. ⁵ قوم من نابود شده‌اند، زیرا مرا نمی‌شناسند؛ و این تقصیر شما کاهنان است، زیرا خود شما نیز نمی‌خواهید مرا بشناسید. من شما را کاهن خود نمی‌دانم. شما قوانین مرا فراموش کرده‌اید، من نیز فرزندان شما را فراموش خواهم کرد. ⁶ قوم من هر چه زیادتیر شدند، بیشتر نسبت به من گناه کردند. آنها شکوه و جلال مرا با ننگ و رسوایی بتهای عوض کردند.

⁷ «کاهنان از گناهان قوم اسرائیل سود می‌برند و با حرص و ولع منتظرند آنها بیشتر گناه بکنند. ⁸ کاهنان همانند قوم گناهکارند. بنابراین، هم کاهنان و هم قوم را بسبب تمام اعمال پدشان مجازات خواهم کرد. ⁹ ایشان خواهند خورد، ولی سیر نخواهند شد؛ زنا خواهند کرد، ولی زیاد نخواهند شد؛ زیرا مرا ترک کرده و به خدایان دیگری روی آورده‌اند. ¹⁰ «میگساری و هوسرانی، عقل را از سر قوم من ربوده است؛ ¹¹ آنها از خدای چوبی کسب تکلیف می‌کنند و از عصای چوبی * راهنمایی می‌خواهند.

که با شما بسته‌ام بجا خواهم آورد و شما را نامزد خود خواهم ساخت و شما مرا در آن زمان واقعاً خواهید شناخت.

²² ²¹ آن روز من دعاهای قوم خود اسرائیل را اجابت خواهم کرد. بر زمین باران خواهم فرستاد و زمین نیز غله و انگور و زیتون تولید خواهد کرد. ²³ آن زمان قوم اسرائیل را برای خود در زمین خواهم کاشت. به کسانی که گفته بودم «دیگر رحمت بس است»، رحم خواهم نمود و به آنانی که گفته بودم «قوم من نیستید»، خواهم گفتم: «اکنون شما قوم من هستید» و ایشان جواب خواهند داد: «تو خدای ما هستی.*»

پیوند مجدد هوشع با زئش

3 آنگاه خداوند به من فرمود: «برو و دوباره زن خود را بردار و نزد خود بیاور. هر چند او زنا را دوست دارد و معشوقهٔ مرد دیگری است، ولی تو او را دوست داشته باش؛ چنانکه من نیز اسرائیل را دوست می‌دارم، هر چند ایشان بسوی خدایان دیگر رفته‌اند و قرصهای نان کشمشی** به بت‌هایشان تقدیم می‌کنند.»

² بنابراین، من زن خود را به پانزده مقال نقره و پنجاه من جو خریدم ³ و به او گفتم که باید مدت زیادی منتظر من بماند و در این مدت بدنیا ل مردهای دیگر نرود و از فاحشگی خود کاملاً دست بردارد؛ من نیز در این مدت منتظر او خواهم بود.

⁴ این امر نشان می‌دهد که اسرائیل سالیان درازی را بدون پادشاه و رهبر، بدون قربانگاه و معبد و کاهن، و حتی بدون بت به سر خواهند برد. ⁵ پس از آن ایشان بسوی خداوند، خدایشان و داود***، پادشاهشان بازگشت خواهند نمود. ایشان با ترس و لرز بسوی خداوند خواهند آمد و از برکات او برخوردار خواهند گردید.

* نگاه کنید به [1: 96].

** «قرصهای نان کشمشی» را به خدای باروری تقدیم می‌کردند تا محصولشان را زیاد کند.

*** منظور از داود، مسیح موعود است که از نسل داود بود.

* از عصا جهت فالگیری استفاده می‌شد.

مانع می‌شود از اینکه بسوی من بازگشت کنید، زیرا روح زناکاری در اعماق وجود شما ریشه دوانده است و نمی‌توانید مرا بشناسید.»

کتیکر مردم اسرائیل برضد آنها گواهی می‌دهد. آنها در زیر بار گناهانشان خواهند لغزید و مردم یهودا نیز در پی ایشان بزمین خواهند افتاد.⁶ آنان سرانجام با گله‌ها و رمه‌های خود خواهند آمد تا برای خداوند قربانی کنند، ولی او را پیدا خواهند کرد، زیرا او از ایشان دور شده و آنها را تنها گذارده است.⁷ آنها به خداوند خیانت ورزیده‌اند و فرزندان بی‌وجود آورده‌اند که از آن او نیستند. پس بزودی آنها با دار و ندارشان از بین خواهند رفت.

⁸شپیور خطر را در جعبه و رامه و بیتئیل به صدا درآورد! ای مردم بنیامین به خود بلرزید!⁹ ای اسرائیل، به این اخطار توجه کن! وقتی که روز مجازات تو فرا رسد، به ویرانه‌های تبدیل خواهی شد.¹⁰ خداوند می‌فرماید: «رهبران یهودا بصورت پست‌ترین زردان درآمد‌اند؛ بنابراین، خشم خود را مثل سیلاب بر ایشان خواهم ریخت.¹¹ اسرائیل به حکم من در هم کوبیده خواهد شد، زیرا مایل نیست از بتپرستی خود دست بکشد.¹² من همچون بید که پشم را از بین می‌برد، اسرائیل را از بین خواهم برد و شیرۀ جان یهودا را گرفته، او را خشک خواهم کرد.¹³» هنگامی که اسرائیل و یهودا پی بردند که تا چه

اندازه بیمار شده‌اند، اسرائیل به آشور روی آورد و به پادشاهش پناه برد. ولی آشور نه قادر است درد او را درمان کند و نه کمکی به او برساند.

¹⁴«مثل شیری که شکم شکار خود را می‌درد، من اسرائیل و یهودا را تکه پاره خواهم کرد و با خود خواهم برد و تمامی رهاندگانش را تازومار خواهم نمود؛¹⁵ سپس آنها را ترک کرده، به خانه خود باز خواهم گشت تا در شدت بیچارگی خود متوجه گناهانشان شده، آنها را اعتراف کنند و مرا بطلبند.»

توبه کاتب اسرائیل

6 قوم اسرائیل می‌گویند: «بیایید بسوی خداوند بازگشت نماییم. او ما را دریده و خودش نیز ما را شفا خواهد داد. او ما را مجروح ساخته و خود

دل بستگی به بتها، آنها را گمراه کرده است. ایشان به خدمت خدایان دیگر درآمده، به من خیانت کرده‌اند.¹³ روی کوه‌ها برای بتها قربانی می‌کنند. به کوهستانها می‌روند تا زیر سایهٔ باصفای درختان بلند بخور بسوزانند. در آنجا دخترانتان به فاحشگی کشانده می‌شوند و عروسانتان زنا می‌کنند؛¹⁴ ولی من آنها را تنبیه خواهم کرد، چون خود شما مردها هم همان کارها را انجام می‌دهید و با فاحشه‌های بتخانه‌ها زنا می‌کنید. ای نادانها، نابودی شما حتمی است.

¹⁵«اگر چه اسرائیل زنا می‌کند، ولی تو ای یهودا خود را به این گناه آلوده نکن و با کسانی که از روی ریا و نادرستی مرا در جلجل و بیتئیل پرستش می‌کنند همراه مشو. عبادت ایشان فقط تظاهر است.¹⁶ مانند اسرائیل نباش که همچون گوساله‌ای سرکش نمی‌خواهد خداوند او را به چراگاه‌های سبز و خرم رهبری کند.¹⁷ از او نوری کن، چون خود را در قید بتپرستی گرفتار کرده است.¹⁸» مردان اسرائیل بعد از میگساری بدنبال زنان بدکاره می‌روند. بیشرمی را بیشتر می‌پسندند تا شرافت را.¹⁹ بنابراین باد عظیمی* آنها را خواهد برد و در رسوایی، از این جهان خواهند رفت، چون برای بتها قربانی می‌کنند.

داوری بر ضد اسرائیل

5 «ای کاهنان و ای رهبران اسرائیل گوش دهید؛ ای خاندان سلطنتی، این را بشنوید: نابودی شما حتمی است، زیرا در کوه مصفه و تابور بوسیلهٔ بتها قوم را فریب داده‌اید.² ای یاغیان، شما بی‌رحمانه کشتار می‌کنید و حدی نمی‌شناسید، پس من همهٔ شما را تنبیه خواهم کرد.

³«من اعمال بد شما را دیده‌ام. ای اسرائیل، همانطوری که یک فاحشه شوهرش را ترک می‌کند، شما هم مرا ترک کرده و ناپاک شده‌اید.⁴ کارهای شما

*: اشاره است به حملهٔ آشور که بیست سال بعد به وقوع پیوست. بر اثر این حمله پادشاهی اسرائیل از بین رفت.

³ «پادشاه از شرارت مردم لذت می‌برد و رهبران از دروغ‌پاشان. ⁴ همگی آنها زناکارند و در آتش شهوت می‌سوزند. آتش شهوت آنها مانند آتش آماده تئور ناتوایی است که خمیرش را مالش داده و منتظر برآمدن آن است.

⁵ «در جشن زادروز پادشاه، رهبران از شراب مست می‌شوند و او نیز با کسانی که وی را دست انداخته‌اند هم پیاله می‌گرده. ⁶ دل‌پاشان از دسیسه بازی، مثل تئور زبانه می‌کشد. توطئه آنها تمام شب به آرامی می‌سوزد و همینکه صبح شد مثل آتش ملتهب شعلهور می‌گرده.

⁷ «مردم اسرائیل پادشاهان و رهبران‌شان را یکی پس از دیگری کشتند** و فریاد هیچکدام برای درخواست کمک از من، بلند نشد.

⁸ «قوم من با بت‌پرستان آمیزش کرده، راه‌های گناه‌آلود آنها را یاد می‌گیرند. آنها همچون نان نیم پخته‌ای هستند که نمی‌شود خورد. ⁹ پرستش خدایان بیگانه قوت ایشان را گرفته است، ولی خودشان نمی‌دانند. موی سر اسرائیل سفید شده و عمر او به پایان رسیده، اما او از آن بی‌خبر است. ¹⁰ فخر او به خدایان دیگر، آشکارا او را رسوا کرده است. با اینحال بسوی خدای خود بازگشت نمی‌کند و درصد یافتن او بر نمی‌آید.

¹¹ «اسرائیل مانند کیوتر، نادان و بی‌فهم است. او از مصر کمک می‌خواهد و به آشور پرواز می‌کند؛ ¹² ولی من در حین پروازش تور خود را بر او می‌اندازم و مثل پرنده‌ای او را از آسمان به زمین می‌کشم و بخاطر تمام کارهای شرارت‌بارش او را مجازات می‌کنم.

¹³ «وای بر قوم من! بگذار آنها هلاک شوند، زیرا مرا ترک کرده و به من گناه ورزیده‌اند. می‌خواستم ایشان را نجات بخشم، ولی آنها با من صادق نبودند. ¹⁴ از شدت پریشانی خواب به چشمانشان راه نمی‌یابد، با اینحال حاضر نیستند از من کمک بخواهند؛ بلکه

بر زخم ما مرهم خواهد گذاشت. ² بعد از دو سه روز ما را دوباره زنده خواهد کرد و ما در حضور او زندگی خواهیم نمود. ³ بیایید تلاش کنیم تا خداوند را بشناسیم! همانطور که دمیدن سپیده صبح و ریزش باران بهاری حتمی است، اجابت دعای ما از جانب او نیز حتمی است.»

⁴ اما خداوند می‌فرماید: «ای اسرائیل و یهودا، من با شما چه کنم؟ زیرا محبت شما مانند شبنم صبحگاهی زودگذر است. ⁵ بیه این دلیل است که من انبیاي خود را فرستاده‌ام تا کلام داوری مرا بیان کنند و از هلاکتی که در انتظارتان است شما را آگاه سازند. پس بدانید که داوری من چون صاعقه بر شما فرود خواهد آمد. ⁶ من از شما محبت می‌خواهم نه قربانی. من از هدایای شما خوشنود نیستم بلکه خواهان آنم که مرا بشناسید.

⁷ «ولی شما نیز مانند آدم*، عهد مرا شکستید و محبت مرا رد کردید. ⁸ جلعاد، شهر گناهکاران و قاتلان است. ⁹ اهالی آن راهزنان تبهکاری هستند که برای قربانیان خود در کمین می‌نشینند. کاهنان در طول راه شکیم، کشتار می‌کنند و دست به هر نوع گناهی می‌زنند. ¹⁰ آری، من عملی هولناک در اسرائیل دیده‌ام؛ مردم دنبال خدایان دیگر رفته و بکلی نجس شده‌اند.

¹¹ «ای یهودا، مجازات‌های بسیاری نیز در انتظار تو می‌باشند.

7 «هر وقت خواستم اسرائیل را شفا دهم و ایشان را دوباره کامیاب سازم، دیدم باز گناه می‌کنند. پایتخت آن سامره مملو از آدم‌های فریبکار و دزد و راهزن است! ² ساکنان آنجا نمی‌دانند که من هرگز شرارت‌شان را فراموش نمی‌کنم. اعمال گناه‌لودنشان از همه طرف آنها را لو می‌دهد و من همه را می‌بینم.

* در زمان هوشع، سع نفر از پادشاهان اسرائیل به قتل رسیدند: زکریا، شلوم و قححیا.

* در اینجا «آدم» می‌تواند به معنی حضرت آدم یا به معنی انسان باشد.

از سرزمینهای مختلف با پول خریده است، اما من او را به اسیری می‌فرستم تا زیر بار ظلم و ستم پادشاه آشور جانش به ستوه آید.

¹¹ «اسرائیل قربانگاه‌های زیادی ساخته است، ولی نه برای پرستش من! آنها قربانگاه‌های گناهند! ¹² اگر ده هزار قانون هم برایش وضع کنم، باز می‌گویم که این احکام برای بیگانه‌هاست، نه برای او. ¹³ قوم اسرائیل مراسم قربانی‌های خود را دوست دارند، ولی این مراسم مورد پسند من نیست. من گناه آنها را فراموش نخواهم کرد و ایشان را مجازات کرده به مصر باز خواهم گرداند.

¹⁴ «اسرائیل قصرهای بزرگی ساخته و یهودا برای شهرهایش استحکامات دفاعی عظیمی بنا کرده است، ولی آنها سازنده خود را فراموش کرده‌اند. پس من این قصرها و استحکامات را به آتش خواهم کشید.»

مجازات اسرائیل

9 ای اسرائیل، مثل سایر قوم‌ها شادی نکن، چون به خدای خود خیانت کرده‌ای و او را ترک گفته و بدنبال خدایان دیگر افتاده‌ای و در هر خرمنگاهی به آنها قربانی تقدیم کرده‌ای. ² بنابراین غله تو کم خواهد شد و انگورهایت روی شاخه‌ها فاسد خواهد گردید.

³ ای قوم اسرائیل، شما دیگر در سرزمین خداوند زندگی نخواهید کرد. شما را به مصر و آشور خواهند برد و در آنجا ساکن شده، خوراکهای پس مانده خواهید خورد. ⁴ در آن سرزمین غریب قادر نخواهید بود به منظور قربانی در راه خداوند شرابی بریزید؛ و هرگونه قربانی‌ای که در آنجا تقدیم کنید او را خشنود نخواهد کرد. قربانی‌های شما مثل خوراکی خواهد بود که در مراسم عزاداری خورده می‌شود؛ تمام کسانی که گوشت آن قربانی‌ها را بخورند نجس خواهند شد. شما حق نخواهید داشت آن قربانی‌ها را به خانه خداوند بیاورید و به او تقدیم کنید، زیرا آنها قربانی محسوب نخواهند شد. ⁵ پس وقتی شما را به اسارت به آشور ببرند، در روزهای مقدس و عیدهای خداوند چه خواهید کرد؟ اموال جا مانده شما را چه کسی به

خدایان بت‌پرستان را عبادت می‌کنند و از آنها نان و شراب می‌خواهند.

¹⁵ «من ایشان را یاری نموده و نیرومند ساخته‌ام، ولی از من روگردان شده‌اند.

¹⁶ «آنها به همه جا نگاه می‌کنند، جز به آسمان و بسوی خدای متعال. مانند کمان کجی هستند که هرگز تیرش به هدف نمی‌خورد. رهبران‌شان به دلیل گستاخی و بی‌احترامی نسبت به من با شمشیر دشمن نابود خواهند شد و تمام مردم مصر به ایشان خواهند خندید.»

بت‌پرستی اسرائیل

8 خداوند می‌فرماید: «شیپور خطر را به صدا درآورید! دشمن مثل عقاب بر سر قوم من فرود می‌آید، چون قوم من عهد مرا شکسته و از فرمانهایم سرپیچی کرده‌اند.

² «اسرائیل از من یاری می‌خواهد و مرا خدای خود می‌خواند. ³ ولی دیگر دیر شده است! اسرائیل فرصتی را که داشت با بی‌اعتنایی از دست داد، پس اینک دشمنانش به جان او خواهند افتاد. ⁴ اسرائیل پادشاهان و رهبران خود را بدون رضایت من تعیین کرده و بت‌هایی از طلا و نقره ساخته است، پس اینک او نابود خواهد شد.

⁵ «ای سامره، من از این بتی که به شکل گوساله ساخته‌ای بیزارم. آتش غضبم برضد تو شعلهور است. چقدر طول خواهد کشید تا یک انسان درستکار در میان تو پیدا شود؟ ⁶ چقدر طول خواهد کشید تا بفهمی گوساله‌ای که می‌پرستی، ساخته دست انسان است؟ این گوساله، خدا نیست! پس خرد خواهد شد.

⁷ «آنها باد می‌کارند و گردباد درو می‌کنند. خوشه‌های گندمشان محصولی نمی‌دهد و اگر محصولی نیز بدهد بیگانگان آن را می‌خورند.

⁸ «اسرائیل نابود شده و مثل ظرفی شکسته در میان قوم‌ها افتاده است. ⁹ گورخری است تنها و آواره که از گله جدا مانده است. تنها دوستانی که دارد آتانی هستند که در مقابل پولی که می‌گیرند با او دوستی می‌کنند؛ و آشور یکی از آنهاست. ¹⁰ با اینکه دوستانی

¹⁵ خداوند می‌فرماید: «تمامی شرارت ایشان از جلجال*** شروع شد. در آنجا بود که از ایشان نفرت پیدا کردم. آنها را از سرزمین خودم بسبب بت‌پرستی بیرون می‌کنم. دیگر آنها را دوست نخواهم داشت، چون تمام رهبرانشان یاعی هستند.»¹⁶ اسرائیل محکوم به فساد است. ریشه اسرائیل خشکیده و دیگر ثمری نخواهد داد؛ اگر هم ثمری بدهد و فرزندان بزیاید، آنها را خواهم کشت.»

¹⁷ خدای من قوم اسرائیل را ترک خواهد گفت، زیرا آنها گوش نمی‌دهند و اطاعت نمی‌کنند. ایشان در میان قوم‌ها آواره خواهند شد.

اسرائیل مانند درخت انگوری است که **10** شاخه‌های پر بار دارد. ولی چه سود؟ هر چه ثروتش زیادت می‌شود، آن را برای قربانگاه‌های بتها خرج می‌کند. هر چه محصولاتش فراوانتر می‌شود، مجسمه‌ها و بتهای زیباتر می‌سازد. ² لعل مردمانش با خدا راست نیست. آنها خطاکارند و باید مجازات شوند. خدا قربانگاه‌های بتکده‌هایشان را در هم خواهد کوبید و بت‌هایشان را خرد خواهد کرد. ³ آنگاه خواهند گفت: «ما خداوند را ترک کردیم و او پادشاه ما را از ما گرفت. ولی اگر پادشاهی نیز می‌داشتیم چه کاری می‌توانست برای ما بکند؟»

⁴ ایشان قسم دروغ می‌خورند و به قولها و عهدهای خود وفا نمی‌کنند. بنابراین، مجازات مثل علفهای سمی کنار مزرعه، در میان آنها خواهد رویید. ⁵ مردم سامره می‌ترسند مبدا بت گوساله شکلشان در بیت‌نیل صدمه‌ای ببیند. کاهنان و مردم برای آبروی از دست رفته بتشان عزا می‌گیرند. ⁶ وقتی که مثل برده به آشور برده شوند، خدای گوساله شکلشان را با خود خواهند برد تا به پادشاه آنجا هدیه کنند! اسرائیل به سبب توکل نمودن به این بت، مسخره و رسوا خواهد شد. ⁷ پادشاه سامره مثل تکه چوبی روی

ارث خواهد برد؟ مصریان آنها را تصرف نموده، مردگان شما را جمع‌آوری خواهند کرد و در شهر ممفیس به خاک خواهند سپرد، و خار و خس در میان ویرانه‌هایتان خواهد رویید.

⁷ زمان مجازات اسرائیل فرا رسیده و روز مکافات او نزدیک است. اسرائیل بزودی این را خواهد فهمید. مردم اسرائیل درباره من می‌گویند: «این نبی احمق است.» آنها فاسد و گناهکارند و با بغض و کینه درباره کسانی که از روح خدا الهام می‌گیرند سخن می‌گویند و ایشان را دیوانه می‌خوانند. ⁸ خدا مرا فرستاده است تا نگهبان قوم او باشم، ولی مردم اسرائیل در تمام راه‌هایم دام می‌گذارند و در خانه خداوند آشکارا نفرت خود را نسبت به من نشان می‌دهند. ⁹ این قوم مانند زمانی که در جبعه⁹ بودند، در فساد غرق شده‌اند. خدا این را فراموش نمی‌کند و حتماً ایشان را به سزای اعمالشان خواهد رسانید.

¹⁰ خداوند می‌گوید: «ای اسرائیل، در آن زمان، یاقتن تو برای من مانند یاقتن انگور در بیابان و دیدن نوبر انجیر در ابتدای موسم، لذتبخش بود. ولی پس از آن تو مرا در شهر فغور بخاطر خدای بعل ترک کردی و خود را به خدایان دیگر سپردی؛ طولی نکشید که تو هم مثل آنها پلید و کثیف شدی.»^{**} ¹¹ شکوه و جلال اسرائیل همچون پرنده‌ای پرواز می‌کند و دور می‌شود، زیرا فرزندان او به هنگام تولد می‌میرند یا سقط می‌شوند، و یا هرگز در رحم شکل نمی‌گیرند. ¹² اگر فرزندان بزرگ هم بشوند، آنها را از او می‌گیرم. همه قوم اسرائیل محکوم به فنا هستند. آری، روزی که از اسرائیل برگردم و او را تنها بگذارم روز غم‌انگیزی خواهد بود.»

¹³ فرزندان اسرائیل را می‌بینم که محکوم به فنا هستند و اسرائیل آنها را به کشتارگاه می‌برد. ¹⁴ ای خداوند، برای قوم تو چه آرزویی بکنم؟ آرزوی رحم‌هایی را می‌کنم که نزیاند و سینه‌هایی که خشک شوند و نتوانند شیر بدهند.

*** جلجال شهری بود که پرستش بعل از آنجا شروع شد (هوشع 4: 15 و 11: 12) و در آنجا بود که مردم برای خود پادشاهی خواستند (اسموتیل 11: 15).

* نگاه کنید به داوران 19: 14 به بعد.
** نگاه کنید به اعداد 23.

محبت خدا نسبت به اسرائیل

زمانی که اسرائیل طفل بود او را مثل پسر خود دوست می‌داشتیم و او را از مصر فرا خواندم.¹ ولی هر چه بیشتر او را بسوی خود خواندم، بیشتر از من دور شد و برای بعل قربانی کرد و برای بتها بخور سوزانید.² از بچگی او را تربیت کردم، او را در آغوش گرفتم و راه رفتن را به او یاد دادم؛ ولی او نخواست بفهمد که این من بودم که او را پروراندیم.³ با کمند محبت، اسرائیل را بسوی خود کشیدیم؛ باز از دوشش برداشتم و خم شده، او را خوراک دادم.⁴ ولی او بسوی من بازگشت نمی‌کند، پس دوباره به مصر خواهد رفت و آشور بر او سلطنت خواهد کرد.⁵ آتش جنگ در شهرهایش شعلهور خواهد شد. دشمنانش به دروازه‌های او حمله خواهند کرد و او در میان سنگرهای خود به دام دشمن خواهد افتاد.⁶ قوم من تصمیم گرفته‌اند مرا ترک کنند، پس من هم آنها را به اسارت می‌فرستم و هیچکس نخواهد توانست آنان را رهایی بخشد.

⁷ ای اسرائیل، چگونه تو را از دست بدهم؟ چگونه بگذارم بروی؟ چگونه می‌توانم تو را مثل ادمه و صبونیم رها کنم؟ آه از دلم برمی‌خیزد! چقدر آرزو دارم به تو کمک کنم! ⁸ در شدت خشم خود تو را مجازات نخواهم کرد و دیگر تو را از بین نخواهم برد؛ زیرا من خدا هستم، نه انسان. من خدایی مقدس هستم و در میان شما ساکنم. من دیگر با خشم به سراغ شما نخواهم آمد.

⁹ «قوم من از من پیروی خواهند کرد و من مثل شیر بر دشمنانشان خواهم غرید. ایشان شتابان از غرب باز خواهند گشت؛¹⁰ مثل دسته بزرگی از پرندگان از مصر و مانند کبوتران از آشور پرواز خواهند کرد. من دوباره ایشان را به خانه‌شان باز می‌گردانم.» این وعده‌ای است از جانب خداوند.

گناه اسرائیل

¹¹ خداوند می‌فرماید: «اسرائیل با دروغ و فریب مرا احاطه کرده است، و یهودا هنوز نسبت به من که خدای امین و مقدس هستم، سرکشی می‌کند.»

امواج دریا، ناپدید خواهد شد.¹² بکنده‌های آن در بیت‌نیل، جایی که قوم اسرائیل گناه کردند، با خاک یکسان خواهند شد. خار و خس در اطراف آنها خواهد رویید و قوم با صدای بلند از کوه‌ها و تپه‌ها خواهند خواست که بر سر ایشان بریزند و آنها را پنهان کنند.

¹³ ای اسرائیل، از آن شب هولناک در جعبه* تاکنون دست از گناه نکشیده‌ای. آیا آنهایی که در جعبه گناه کردند ناپود نشدند؟¹⁴ پس به سبب سرکشی‌هایت، برضد تو برمی‌خیزم و سپاهیان قوم‌ها را علیه تو بسیج می‌کنم تا تو را برای گناهانت که روی هم انباشته شده، مجازات کنم.

¹⁵ اسرائیل به کوبیدن خرمن عادت کرده است و این کار آسان را دوست می‌دارد. قبلاً هرگز بوغ سنگین برگردن او نگذاشته و از گردن ظریف او چشم‌پوشی کرده بودم، ولی اینک او را برای شخم زدن و صاف کردن زمین آماده می‌کنم. دوران تن پروری‌اش به پایان رسیده است.

¹⁶ بذر نیکی عدالت را بکارید تا محصولی از محبت من درو کنیم. زمین سخت دل‌های خود را شخم بزنید، زیرا اینک وقت آنست که خداوند را بطلبید تا بیاید و بر شما باران برکات را بباراند.

¹⁷ ولی شما بذر شرارت کاشتید و محصول ظلم درو کردید و ثمره دروغ‌پایان را خوردید.

شما به قدرت نظامی و سپاه بزرگ خود اعتماد کردید،¹⁸ بنابراین، ترس و وحشت از جنگ، شما را فرا خواهد گرفت و تمام قلعه‌هایتان و ازگون خواهند شد، درست همانطور که شلمان** شهر بیت اربیل را خراب کرد و مادران و فرزندان آنجا را به خاک و خون کشید.¹⁹ ای مردم اسرائیل، بسبب شرارت‌های زیادتان عقبت شما هم همین است. پادشاهتان بمحض شروع جنگ کشته خواهد شد.

* نگاه کنید به داوران 19: 20.
** شلمان احتمالاً همان شلمناسر پادشاه آشور است که حکومت اسرائیل را برانداخت (دوم پادشاهان 17).

خشم خداوند بر اسرائیل

13 زمانی چنین بود که هرگاه اسرائیل سخن می‌گفت، قوم‌ها از ترس می‌لرزیدند، چون او سروری توانا بود؛ ولی اکنون با پرستش بعل محکوم به فنا شده است.
 2 قوم بیش از پیش نافرمانی می‌کنند. نقره‌های خود را آب می‌کنند تا آن را در قالب ریخته برای خود بتهایی بسازند بتهایی که حاصل فکر و دست انسان است. می‌گویند: «برای این بتها قربانی کنید! بتهای گوساله شکل را ببوسید!»³ این قوم مثل مه و شبنم صبحگاهی بزودی از بین خواهند رفت و مثل کاه در برابر باد و مثل دودی که از دودکش خارج می‌شود زایل خواهند شد.

4 خداوند می‌فرماید: «تنها من خدا هستم و از زمانی که شما را از مصر بیرون آورده‌ام خداوند شما بوده‌ام. غیر از من خدای دیگری نیست و نجات‌دهنده دیگری وجود ندارد. کدر بیابان، در آن سرزمین خشک و سوزان، از شما مواظبت نمودم؛⁶ ولی پس از اینکه خوردید و سیر شدید، مغرور شده، مرا فراموش کردید.⁷ بنابراین، مثل شیر به شما حمله می‌کنم و مانند پلنگی، در کنار راه در کمین شما خواهم نشست.⁸ مثل ماده خرسی که بچه‌هایش را از او گرفته باشند، شما را تکه‌تکه خواهم کرد و مانند شیری شما را خواهم بلعید.

9 «ای اسرائیل، اگر تو را هلاک کنم کیست که بتواند تو را نجات دهد؟¹⁰ کجا هستند پادشاه و رهبرانی که برای خود خواستی؟ آیا آنها می‌توانند تو را نجات دهند؟¹¹ در خشم خود پادشاهی به تو دادم و در غضبم او را گرفتم.

12 «گناهان اسرائیل ثبت شده و آماده مجازات است.¹³ با وجود این، فرصتی برای زنده ماندن او هست. اما او مانند بچه لجوجی است که نمی‌خواهد از رحم مادرش بیرون بیاید!¹⁴ آیا او را از چنگال گور برهانم؟ آیا از مرگ نجاتش بدهم؟ ای مرگ، بلاهای تو کجاست؟ و ای گور هلاکت تو کجاست؟ من دیگر بر این قوم رحم نخواهم کرد.¹⁵ هر چند اسرائیل در

12 کارهایی که مردم اسرائیل می‌کنند تمام بیهوده و مخرب است. آنها روز و شب دروغ و خشونت را رواج می‌دهند. با آشور عهد می‌بندند و از مصر کمک می‌طلبند.² خداوند از یهودا شکایت دارد و اسرائیل را برای کارهای بدی که کرده است عادلانه مجازات خواهد کرد.³ یعقوب، جد اسرائیل، در شکم مادرش با برادرش نزاع کرد و وقتی مرد بالغی شد، حتی با خدا نیز جنگید.⁴ اری، با فرشته کشتی گرفت و پیروز شد. سپس با گریه و التماس از او تقاضای برکت نمود. در بیتخیل خداوند ارید و خدا با او صحبت کرد⁵ همان خدای قادر متعال که نامش «یهوه» است.⁶ پس حل، ای اسرائیل، بسوی خداوند بازگشت نما؛ با محبت و راستی زندگی کن و با صبر و تحمل در انتظار خدا باش.

7 خداوند می‌فرماید: «اسرائیل مانند فروشنده‌ای است که اجناس خود را با ترازوی نادرست می‌فروشد و کلاهبرداری را دوست دارد.⁸ او به خود می‌بالد و می‌گوید: من ثروتمند هستم تمام این ثروت را خودم بدست آورده‌ام و کسی نمی‌تواند مرا به کلاهبرداری متهم کند.

9 «ولی من که خداوند تو هستم و تو را از بردگی مصر رها کردم، دوباره تو را می‌فرستم تا در خیمه‌ها زندگی کنی، چنانکه در بیابان زندگی می‌کردی.

10 «من انبیای خود را فرستادم تا با رویاها و مثل‌های زیاد، شما را از خواب غفلت بیدار کنند،¹¹ ولی هنوز در جلال قربانگاه‌ها مثل شیار کشتزارها ردیف به ردیف و پشت سر هم قرار دارند تا روی آنها برای بتهایان قربانی کنید. جلعاد هم از بتها پر است و اشخاص باطل و گناهکار آنها را پرستش می‌کنند.»

12 یعقوب به آرام فرار کرد و با کار چوپانی همسری برای خود گرفت.¹³ خداوند پیامبری فرستاد تا قوم خود را از مصر بیرون آورد و از ایشان محافظت نماید.¹⁴ اولی اینک اسرائیل خداوند را بشدت به خشم آورده است، پس خداوند او را به جرم گناهانش محکوم به مرگ خواهد کرد.

آزاد لبنان، در زمین ریشه خواهد دوانید.⁶ شاخه‌هایش به زیبایی شاخه‌های زیتون گسترده خواهد شد و عطر و بوی آن همچون عطر و بوی جنگلهای لبنان خواهد بود.⁷ مردم بار دیگر زیر سایه‌اش استراحت خواهند کرد و او مانند باغی پر آب و مانند تاکستانی پر شکوفه و همچون شراب لبنان معطر خواهد بود.

⁸ «اسرائیل خواهد گفت: مرا با بته‌ها چه کار است؟ و من دعای او را اجابت کرده، مراقب او خواهم بود. من همچون درختی همیشه سبز، در تمام مدت سال

به او میوه خواهم داد.»

⁹ هر که داناست این چیزها را درک کند. آن که فهم دارد گوش دهد، زیرا راه‌های خداوند راست و درست است و نیکان در آن راه خواهند رفت، ولی بدکاران لغزیده، خواهند افتاد.

میان علفهای هرز ثمر بیاورد، ولی من باد شرقی را از بیابان بشدت بر او می‌وزانم تا تمام چشمه‌ها و چاه‌های او خشک شود و ثروت او به تاراج رود.⁶ سامره باید سزای گناهانش را ببیند، چون برضد خدای خود برخاسته است. مردمش به دست سپاهیان مهاجم کشته خواهند شد، بچه‌هایش به زمین کوبیده شده، از بین خواهند رفت و شکم زنان حامله‌اش با شمشیر پاره خواهد شد.

توبه^{۱۴} اسرائیل باعث برکت او می‌شود

ای قوم اسرائیل، بسوی خداوند، خدای خود بازگشت کنید، زیرا در زیر بار گناهانتان خرد شده‌اید.² نزد خداوند آئید و دعا کنید و گویید: «ای خداوند، گناهان ما را از ما دور کن، به ما رحمت فرموده، ما را بپذیر تا قربانی

شکرگزاری به تو تقدیم کنیم.³ نه آشور می‌تواند ما را نجات دهد و نه قدرت جنگی ما. دیگر هرگز بتهایی را که ساخته‌ایم خدایان خود نخواهیم خواند؛ زیرا ای خداوند، یتیمان از تو رحمت می‌یابند.»⁴ خداوند می‌فرماید: «شما را از بت‌پرستی و بی‌ایمانی شفا خواهم بخشید و محبت من حد و مرزی نخواهد داشت، زیرا خشم و غضب من برای همیشه فرو خواهد نشست.⁵ من همچون باران بر اسرائیل خواهم بارید و او مانند سوسن، خواهد شکفت و مانند سرو